

چرا هفتم اکتوبر روز سیاه در تاریخ کشور نیست؟

نوشته: انجنیر محمد نذیر (علی) تنویر، هالند 07 اکتوبر 2013

باز هم تجاوز!

تجاوزی که 12 سال قبل در روز یکشنبه 15 میزان ساعت 6 شام آغاز یافت.

تجاوزی که باز هم زیر نام دیوکراسی، برابری و ترقی شکل گرفت!

تجاوزی که اینبار غیر علنی و بطور نامرئی توسط کمونیستها همراهی شد!

کمونیستهای هوشمند و زیرکی که با داشته های فراوان و تجارب زیاد از رفقای "کمونیست روسی" شان مجهز بودند!

اینبار نه بنام کمونیزم و پلورالیزم جهانی آن- بلکه زیر نام دیموکراسی و "جهانی سازی" با سوء استفاده از واژه ی "جمهوری اسلامی" در صحنه حضور یافتند! دیگر برای شان- نام و شعار مطرح نبود. بجای مبارزه کلاسیک و "مشت آهنین" از اشاعه و پخش فساد و فحشا زیر نام دیموکراسی کار گرفتند. زیرا در مشاورت ایشان- متجاوزین برین درک رسیدند که رمز ناکامی شان در گروه اخلاص و عقیده مردم بوده که می بایست آنرا کمرنگ و بی اثر سازند. آنها اینبار حملات شانرا از جبهات و جنگهای چریکی به درون خانواده ها نیز وسعت بخشیدند:

* زن را آموختن تا برای اعاده حقوق اش- خودش را آتش زند. مرد را آموختن تا برای اعاده حیثیت اش- زن را در مظهر عام شلاق زند و یا بینی بُرد. به دختران و پسران نوجوان و حتی اطفال- تجاوزات جنسی را شکل دادند. از همه ی این حالات تصاویری را تهیه داشته و تا هالیوود آنرا کشاندند و از آن طریق و دیگر رسانه های جمعی بر اسلام و مسلمین تازیدند؛

* به سطح وزارت ها در اشاعه ی خرافات و بدعت ها زیر نام اسلام، بر ضد اسلام به مبارزه پرداختند؛

* بنام مبارزه بر علیه مواد مخدر، میلیون ها هموطن ما را به آن معتاد ساختند تا بتوانند تولید اش را از نیازهای داخلی معرفی بدارند و در ضمن- بخاطر آرام به تجارت آن بپردازند؛

* بنام به محکمه کشانیدن جنایتکاران جنگی، لست را چنان عام و چند بُعدی شکل دادند که "افغانستان شمول" گشت و شامل همه ی افشار و گروه ها بجز "مائونیست" گردید تا عاملین آن- بتوانند به راحتی بر حیات شان ادامه دهند؛

* بنام فساد اداری- فساد را عام و "افغانستان شمول" گردانیدند و رئیس جمهور به "مفسدان بزرگ" مشوره سرمایه گزاری در داخل را داد تا از بیرون رفتن سرمایه جلوگیری شود و بر فساد "مفسدان کوچک" صحنه گذاشته، فقر و ناتوانی را علت اش نامید؛

* برای مبارزه بر علیه جهادیسست ها، سنگر های شان را از سازمان های جوانان مترقی، گروه انقلابی خلق، ساما، مقاومت ملی مردمی انقلابی، راوا، ملم، سرا و... به تنظیم های طریقتی، احزاب وابسته به ایران، احزاب سمتگرا و شورای نظار انتقال دادند؛

* نیض تمام ارگانهای نشراتی را چه در سطح ملی و بین المللی بدست گرفتند و از آن طریق، ذهنیت ها را از خطر اشغال "ناتو" به خطر آی.اس.آی شکل دادند؛

* در سطح نظامی با آی.اس.آی همکار شده و در "قلع و قمع" پشتونها در دو طرف پرداختند تا ملغی شدن پیمان دیورند را منتفی گردانند؛

* ذهنیت نژادی و قومگرایی را به اوج اش رسانیدند تا بعد از فرار قشون ناتو، برجان هم افتند؛

* برای برخورد های قومی همچو سلف شان، به تشکیل ملیشه های "اربکی" پرداختند؛

* در بین نیروهای مقاومت (حزب اسلامی و تحریک طالبان)، علویت و تقدس گرایی رهبران شانرا ذهنیت سازی نمودند.

... و صدها توطئه دیگر، زیرا تحت نام و مفکوره خود- جای پای در میان ملت نداشتند و دشمنی های سیاسی شان به عقده های درونی، نفرت و انزجار شکل یافته بود که در رفع آن- تشنه ی خون مسلمانان گشتند.

آیا گاهی بدین نکات توجه داشته اید؟

آیا با مسوولین این ارگان های زنجیری- از قبل آشنا اید؟

اگر این نکات ریشه یابی گردد، به درستی به عاملین چهار دهه بدبختی ها پی خواهیم برد!

اما باز هم، رسانه ها نمی گذارند تا خود- آنرا پیگیری نمایم و در نیمه راه، ذهنیت ها را دوباره جهت دهی کرده و با هوشیاری و زیرکی- عامل اش را "بیسوادی" معرفی می دارند!

آیا گاهی برین نکته عمیق اندیشیده اید که "عامل" این صفت (بیسوادی)- خود، مسبب معرفی می گردد؟

پس چه ساده آنها- کشته و قتل عام گشتند و چه ساده خودشان- مجرمین کشتار خودشان معرفی می گردند!

ازین ظلم بالاتر چه بوده می تواند؟

ضمن آنکه قدر جهاد شان دانسته نشد، بر زخم های شان مرحم گذاشته نشد، از بیوه های شان خبرگیری نشد، بر یتیمان شان دست عطف و مهربانی کشیده نشد و... مجرم و عامل بدبختی نیز معرفی شده و بر کارنامه های شان نیز تجارت برپا شد!

بلی! اینها خویشان را روشنفکران جامعه معرفی می دارند! روشنفکرانی که یکبار بنام کمونیزم و بار دیگر بنام دیوکراسی خون هموطنان شانرا مکیدند. "تحصیل کرده های وابسته" که حتی واژه زیبای روشنفکری را نیز به گروگان گرفته اند!

پس باید این روشنفکرانما های سنگدل را شناخت! آنهای که در های تجاوز را بر روی متجاوزین گشودند و در زیر پوشش تنظیم های به "اصطلاح اسلامی" در جاری ساختن خون هموطنان شان نقش کلیدی را بازی کردند و از انظار در خفا ماندند!

بلی! اینها را باید شناخت، نه از برای سیاست و قدرت بلکه از برای انسان و انسانیت! این ها کسانی اند که حتی جرأت بیان هویت شانرا ندارند. این ها همان مائوئیستهای بزدل و منافق صفت اند که تشنگی شان هیچگاهی با مکیدن خون مسلمانان رفع نخواهد گردید و با نحوی از انحا ادامه خواهد داشت.

این که ازین روز- روزسیاه نامبرده نمی شود به زمان نیاز میرود. اما این روز در قلب هر مسلمان آزادمنش- روز سیاه ثبت شده است و تاریخ بلاخره بر حقانیت آن صحنه خواهد گذاشت زیرا حق- ماندنی و از جانب پرودگار می باشد.